



است بزرگ در برابر گناه کوچک .

۳. امام صادق و باقر علیهما السلام درباره آیه مورد بحث فرمودند :

که از مصادیق آن کسی است که سوگندمی خورد به این که دیگر با برادر یا مادر خود سخن نگوید و نظیر این گونه امور .^۱

۴. از امام صادق علیه السلام مسنداً به نقل از مسعدة بن صدقه است که حضرت در مورد همین آیه فرمود :

خداوند شما را به سوگند های لغو و بیهوده نمی گیرد و منظور «لا والله و بلی والله» است که درباره امری با عقد قلب و قصد انشاء توأم نیست .^۲

۵. از ابو علی طبری است که گفت :

مردم در مورد مفهوم سوگند لغو اختلاف کردند، پس بیان شد : سوگندی است که بر سبیل عادت جاری است چون «لا والله و بلی والله» بدون قصد انشاء و عقد قلب، که با گفتن آن نه مالی از کسی گرفته می شود و نه به هیچ کس ستمی وارد می آید؛ و اظهار داشت همین معنی از امام باقر و صادق علیهما السلام مروی است .^۳

﴿لَلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۲۲۶).

برای کسانی که سوگندمی خورند دوری آمیزش را از زنانشان، درنگ و مهلت چهار ماه است؛ و اگر باز کردند [مباشرت کنند] پس قطعاً خداوند آمرزنده مهربان است .

۱. عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله عليه السلام، و محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: ﴿و لا تجعلوا الله عرضة لآيمانكم﴾. قال: يعني الرجل يحلف أن لا يكلم أخاه، و ما أشبه ذلك، أو لا يكلم امه. تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۱۲ ح ۳۳۹ تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۶۱۱۶۸.

۲. عن علي بن إبراهيم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سمعته يقول في قول الله عز وجل: ﴿و لا يواخذكم الله باللغو في آيمانكم﴾. قال: اللغو: قول الرجل: لا والله، و بلی و الله، و لا يعقد علی شیء. الكافي، ج ۷، ص ۴۴۳ ح ۱؛ تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱/۱۱۷۰.

۳. ثم بين سبحانه أقسام اليمين فقال: ﴿و لا يواخذكم الله باللغو في آيمانكم﴾. اختلفوا في يمين اللغو ف قيل هو ما يجري على عادة الناس من قول لا والله و بلی و الله من غير عقد علی يمين يقتطع بها مال و لا يظلم بها أحد عن ابن عباس و عائشة و الشعبي و هو المروي عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام. تفسير مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۶۸-۵۶۹.

﴿وإن عزموا الطلاق فإن الله سميع عليم﴾ (۲۲۷).

و اگر قصد و آهنگ طلاق [رهائی و جدائی] کنند، پس همانا که خداوند شنوای دانا است.
«ایلاء»: مصدر باب افعال، از ریشه «ألی یألو ألوة و الوة و ألیة»، به معنای «حکف» و سوگند، که نوعاً با حرف «علی» متعدی می شود و اگر با حرف «من» تعدی یافت، متضمن معنی بُعد و دوری است. لذا در این جا به معنی سوگند خوردن درباره دوری نمودن و ترك آرمیدن با زن است.

«تربص»: انتظار، درنگ، مهلت، توقف، تأخیر، دیر کردن.

«فیء»: رجوع، برگشت، بازگشت.

«عزم»: قصد، آهنگ، اراده، تصمیم، دل نهادن به چیزی.

«طلاق»: جدا شدن زن از مرد، رها شدن زن از قید نکاح [طبق شرایط مقرر در دین].

[اشاره به سوگندهای عرب جاهلی و رد آنها]

از رفتار زشتی که مردان عرب را در زمان جاهلیت رسم بود، این که گاه از روی خشم، یا بر اثر پیدایش امری به اصطلاح ناخوش آیند، یا بهانه ای نابه جا، دفعه و بدون تأمل و دوراندیشی سوگند می خوردند که از آرمیدن با همسر خود برای همیشه خودداری کنند و در نتیجه بانوی بیچاره و بی دفاع بلا تکلیف و سرگردان مانده، نه شوهری داشت که از کانون گرم خانواده بهره بگیرد و نه آزادی و رهائی کاملی که در مقام ازدواج با دیگری برآید. این رویه نکوهیده و نادرست را قرآن خط بطلان کشیده، به دنباله منع سوگند در آیات قبل فرمود:

﴿لَّذین یؤلون من نسائهم تربص أربعة أشهر﴾ (۲۲۶).

برای کسانی که از دوری همسران شان سوگند یاد می کنند، درنگ و انتظار چهار ماه است.

در عبارت آیه تقدیم و تأخیری است به این معنا که: ﴿تربص أربعة أشهر﴾ مبتداء و

﴿لَّذین یؤلون من نسائهم﴾ خبر است.



﴿وإن عزموا الطلاق فإن الله سميع عليم﴾ (۲۲۷).

و اگر قصد و آهنگ طلاق [رهائی و جدائی] کنند، پس همانا که خداوند شنوای دانا است. **«ایلاء»**: مصدر باب افعال، از ریشه «ألی یألو ألوة و الوة و ألیة»، به معنای «حکف» و سوگند، که نوعاً با حرف «علی» متعدی می شود و اگر با حرف «من» تعدی یافت، متضمن معنی بُعد و دوری است. لذا در این جا به معنی سوگند خوردن درباره دوری نمودن و ترك آرمیدن با زن است.

«تربص»: انتظار، درنگ، مهلت، توقف، تأخیر، دیر کردن.

«فیء»: رجوع، برگشت، بازگشت.

«عزم»: قصد، آهنگ، اراده، تصمیم، دل نهادن به چیزی.

«طلاق»: جدا شدن زن از مرد، رها شدن زن از قید نکاح [طبق شرایط مقرر در دین].

[اشاره به سوگندهای عرب جاهلی و رد آنها]

از رفتار زشتی که مردان عرب را در زمان جاهلیت رسم بود، این که گاه از روی خشم، یا بر اثر پیدایش امری به اصطلاح ناخوش آیند، یا بهانه ای نابه جا، دفعه و بدون تأمل و دوراندیشی سوگند می خوردند که از آرمیدن با همسر خود برای همیشه خودداری کنند و در نتیجه بانوی بیچاره و بی دفاع بلا تکلیف و سرگردان مانده، نه شوهری داشت که از کانون گرم خانواده بهره برگیرد و نه آزادی و رهائی کاملی که در مقام ازدواج با دیگری برآید. این رویه نکوهیده و نادرست را قرآن خط بطلان کشیده، به دنباله منع سوگند در آیات قبل فرمود:

﴿لَّذین یؤلون من نسائهم تربص أربعة أشهر﴾ (۲۲۶).

برای کسانی که از دوری همسران شان سوگند یاد می کنند، درنگ و انتظار چهار ماه است.

در عبارت آیه تقدیم و تأخیری است به این معنا که: ﴿تربص أربعة أشهر﴾ مبتداء و

﴿لَّذین یؤلون من نسائهم﴾ خبر است.





[محدودیت زمانی شرع برای قسمهای عرب جاهلی]

یعنی: کسانی که با سوگند مصمم می شوند از آمیزش با همسر خویش خود داری کنند، تنها تا مدت چهار ماه می توانند به عزم خود باقی باشند؛ چه پس از گذشت چهار ماه زن را حقی است که باید اتیان شود.

بدیهی است این معنا اعم از این است که سوگندی در این باره یاد شود، یا نه، در هر صورت بیش از چهار ماه جوازی در خودداری از همبستری با زن نیست. و اگر زن را در این زمینه تمایلی باشد، مرد موظف به اتیان است. و چنانچه مرد به عزم خود راسخ و ثابت بود، زنی نمی تواند به حاکم شرع مراجعه و شکایت برد، در این هنگام حاکم مرد را از تاریخ شکایت چهار ماه مهلت می دهد و اگر پس از گذشت این مدت باز هم شوهر به اراده خود باقی و به عدم مباشرت با زن مصمم بود، حاکم او را وادار به طلاق می کند و اگر آماده امر طلاق و رهائی زن از قید زوجیت نشد، به زندانش می اندازند، تا نسبت به یکی از این دو امر حاضر شود و چنانچه هیچ یک از دو پیشنهاد را نپذیرفت، به زندان دائم محکوم است. باری خداوند رثوف در ذیل آیه یادآوری فرمود:

﴿فَإِنْ فَاءُوا﴾

پس اگر باز گشت کنند. یعنی: از تصمیم متخذه منصرف شده با آمیزش مبادرت کنند.

﴿فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

پس به درستی که خداوند آمرزنده مهربانست. گناه گذشته ایشان را می پوشاند و مورد عنایت و مهربانی قرار می دهد. و در پایان اشاره فرمود که:

﴿وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ﴾ (۲۲۷).

و اگر اراده و قصد جدائی و رهائی زن کنند.

﴿فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.

پس همانا که خداوند شنوای دانا است. سخنان و گفتار حق و ناحق را می شنود و به دلها و ضمائر دانا است و می داند که به چه منظور و غرض طلاق انجام می شود و مقصّر و بی گناه کیست، زیرا به نیات و هدف های هر دو طرف آگاه و بینا است.